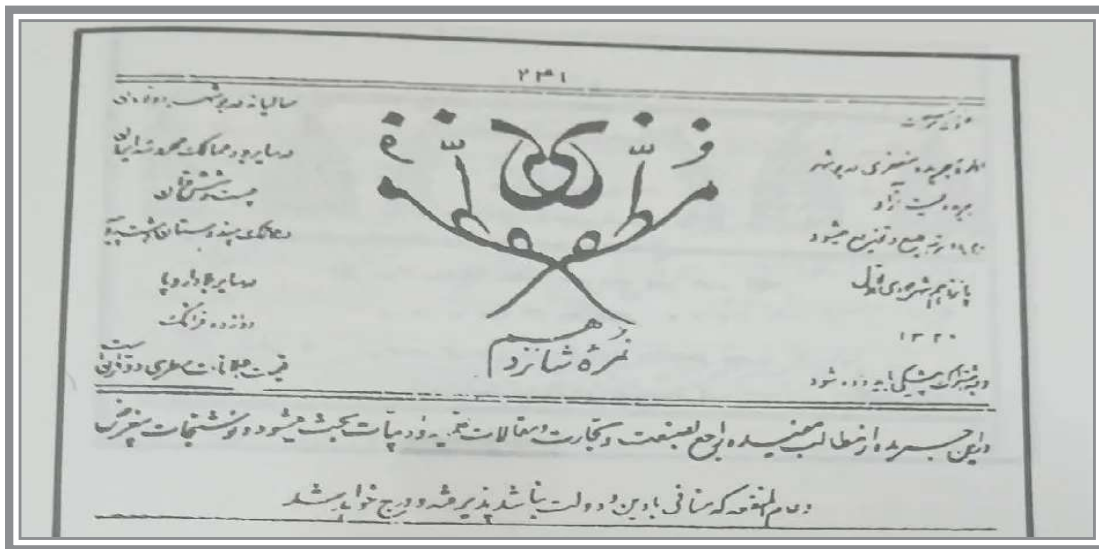


بارکورد ۱۸ بار حبس و تبعید

نخستین روزنامه نگار تبعیدی ایرانی که بود؟



میرزا علی آقا
روزنامه نگاری
عهد مظفری تنها
به چاپ روزنامه
رضایت نداشت
بلکه ضمن سفر
به هندوستان
«دستگاه چاپ
حروف سری» را
با خود به بوشهر
برد و صنعت
چاپ را در بوشهر
بنیان گذارد. این
اقدام او موجب
افزایش نفوذ
این روزنامه نگار
در مناطق
جنوبی کشور
شد، اقدامات
او سبب خشم
کنسول انگلیس
در منطقه
شد. سرانجام
نیز با فشار
دولت بریتانیا
لیبب الملک به
زندان محکوم
شد.

عصر ایران؛ باران ستوده - نخستین روزنامه نگاری که در ایران با حکم قضایی مجبور به جلائی وطن شد چه نام دارد؟ او به چه سرنوشتی دچار شد؟ اگر این پرسش برای عامه جامعه ایرانی و حتی بسیاری از علاقه مندان به مطبوعات این سرزمین مطرح شود، احتمالا اکثریت قریب به اتفاق آنان از پاسخ به این پرسش عاجز خواهند بود. و یا محدود روزنامه نگاران مشهور دوران قاجار و یا حتی دوران پهلوی را فهرست خواهند کرد.

با این حال اگر کتاب قطور تاریخ مطبوعات ایران در نزدیک به دو سده اخیر را مورد بررسی قرار دهیم و به دنبال اولین روزنامه نگار تبعیدی بگردیم به نامی بر میخوریم که کمتر مورد توجه عامه قرار گرفته است. میرزا علی آقا لیبب الملک شیرازی، مدیر روزنامه مظفری را می توان نخستین روزنامه نگاری دانست که حکم قاضی به تبعید از ایران محکوم شده است، خبرنگار دوران مظفردین شاه قاجار که در بیست و پنج فروردین ماه ۱۲۸۴ شمسی دستگیر و به زندان فرستاده شده بود. اصولا روزنامه نگاری در این سرزمین از همان روزهای نخست گام نهادن به تاریخ و سرنوشت ایران و ایرانیان همواره با چالش ها و مصائب متعددی مواجه بوده است. چالش ها و مصائبی که موجب شده است تا بسیاری از ایرانیان علاقه مند به این شغل پرهیجان و تاثیرگذار عطای آن را به لقایش ببخشند و برای گذران زندگی به مشاغل کم خطرتر روی آورند. با این حال با مرور تاریخ مطبوعات ایران به نام ها و چهره هایی بر میخوریم که با وجود همه این مصائب وارد این عرصه شدند و گام های مهمی در این مسیر برداشته اند. لیبب الملک شیرازی را می توان از جمله این افراد دانست؛ این روزنامه نگار با سابقه فعالیت و انتشار روزنامه های متعدد در ایران و کشورهای همسایه، یک سال و اندی پیش از انقلاب مشروطیت توسط عین الدوله صدراعظم مظفردین شاه در سال ۱۳۳۳ هجری قمری بازداشت شد و به زندان افتاد. در کتاب نخستین های تاریخ روزنامه نگاری ایران به نقل از کتاب تاریخ بیداری ایرانیان ناظم الاسلام کرمانی به شرح حال جلسه هشتم انجمن مخفی تهران در محرم ۱۳۳۳ (فروردین ۱۲۸۴) «دوره پیشامشروطیت» اشاره شده و در صفحه ۲۰۳ آمده است: «میرزا علی آقا مدیر روزنامه مظفری را در بوشهر به گناه روزنامه نویسی چه بالاها بر سرش درآوردند و چه صدمه ها بر وی زدند که هنوز گرفتار و اسیر آن صدمات است.»

فعالیت حرفه ای

میرزا علی آقا شیرازی قبل از اینکه مشروطیت جان بگیرد، تاوان آگاهی بخشی به افکار

فروش و نهایت تعدی در کمال بی قانونی صحرایمای بندر ریگ (بوده) و بدبختانه از تحریر و مکاتبات و مراسلات ممنوع بوده ام.» (ص ۲۷۳)

میرزا علی آقا روزنامه نگاری عهد مظفری تنها به چاپ روزنامه رضایت نداشت بلکه ضمن سفر به هندوستان «دستگاه چاپ حروف سری» را با خود به بوشهر برد و صنعت چاپ را در بوشهر بنیان گذارد. این اقدام او موجب افزایش نفوذ این روزنامه نگار در مناطق جنوبی کشور شد، اقدامات او سبب خشم کنسول انگلیس در منطقه شد. سرانجام نیز با فشار دولت بریتانیا لیبب الملک به زندان محکوم شد.

طبق نظریات علوم ارتباطات می توان تاکید کرد که نوع تعامل لیبب الملک در حوزه مطبوعات و تلاش برای بهره گیری از فناوری های جدید در آن دوره، این چهره را کم و بیش در دسته نوآوران innovators رده بندی کرد. بر اساس نظریه انتشار نوآوری (Diffusion of innovations) راجرز، نوآوران افراد جسور و متهوری هستند که بیش از دیگران علاقه مند به کارگیری اندیشه های جدید بوده و بیش از آنها دارای ارتباطات ملی و بین المللی هستند. با این توصیف اقدامات لیبب الملک شیرازی در تبعید را بهتر می توان تبیین کرد. او که بارها از دیار خود اخراج شده بود، در سرزمین هایی که به اجبار محل سکونتش شده بود نیز فعالیت رسانه ای خود را ادامه داد. روزنامه غیرت کربلا و انتقام را در کربلا و روزنامه مظفری را در مکه در زمان تبعید منتشر کرد.

شب نامه نویسی

یکی دیگر از اقدامات جالب لیبب الملک ورود به دنیای شب نامه نویسی بود. در ایامی که او با محدودیت انتشار روزنامه از سوی حاکم بوشهر مواجه شد، برای مخابره پیام خود به مخاطب از شب نامه بهره گرفت. ناظم الاسلام کرمانی در کتاب تاریخ بیداری ایرانیان جلد اول به انتشار شب نامه از سوی میرزا علی آقا و عصبانیت کنسول انگلیس اشاره کرده است. (ص ۲۵۳)

و اما پایان

لیبب الملک شیرازی و شیوه جسورانه روزنامه نگاری او در دوره پیشامشروطه یکی از فصل های مهم تاریخ مطبوعات ایران به شمار می رود؛ چهره ای که اگرچه مانند صوراسرافیل، دهخدا، ملک المتکلمین و... به شهرت چندانی نرسید و کمتر در خاطره ها مانده است، اما مسیری که او پیمود برای بسیاری از علاقه مندان به روزنامه نگاری مسئولانه قابل توجه و شایسته بررسی است.

عمومی را با انتشار روزنامه مظفری پرداخت. نشریه ای پیشرو که رویه ای متفاوت از نشریات دولتی و حاکمیتی آن زمان را در پیش گرفته بود. رویکردی انتقادی و نسبتا متناسب با فعالیت حرفه ای روزنامه نگاری در پیش گرفته بود. لیبب الملک در جریده خود در بسیاری از موارد جسورانه به نقد حاکمیت و دولت های قدرتمند آن زمان می پرداخت. به طور نمونه در شوال ۱۳۳۱ هـ.م. با دی ۱۲۸۲ شمسی به سیاست حکومت قاجاریه در برابر «لرد کرزن» تاخت و عملکرد وی (نایب السلطنه هند و وزیر امور خارجه وقت بریتانیا) را زیر سوال برد. همین رویکرد موجب شد تا روزنامه مظفری تحت فشار وارده توقیف شود. بدتر اینکه مدیر آن بازداشت شده و ناچار به تحمل مجازات شلاق شد و حتی رنج مصادره اموالش را به جان خرید. ابراهیم صفایی در کتاب «لرد کرزن در خلیج فارس» مرارت لیبب الملک را به تصویر کشیده که چه سختی هایی را در راه روزنامه نگاری متحمل شد چراکه انتقاد او از لرد کرزن سر و صدای زیادی به پا کرد و در نهایت با وساطت اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات از «قید طرد و حبس» آزاد شد. اما تنها مخالفت با لرد کرزن برای او چالش درست نکرد، بلکه مخالفت با بلژیکی ها در اداره گمرکات شمال و جنوب دردرس او را مضاعف کرد با این حال از مسیر آگاهی بخشی و استعمارستیزی کوتاه نیامد.

رکورد شکنی ۱۸ بار حبس و تبعید

میرزا علی آقا شیرازی در دوره دوازده ساله روزنامه نگاری خود اندک زمانی آزادی را تجربه کرد و به کرات به زندان افتاد. طبق اسناد و مدارک موجود این روزنامه نگار هجده بار به حبس و تبعید محکوم شد و حتی حکم اعدام هم برایش صادر کردند. در کتاب اسناد مطبوعات جلد دوم صفحه ۳۷۳ به تاریخ شعبان ۱۳۳۰ (مرداد ۱۲۹۱) در دوره «پسامشروطیت» به نقل از او آمده است: «بنده مادام العمر تمام قوای خود را در راه قانون و اجرای قانون اسلامی صرف کردیم و نتیجه این است که دیدیم و پس از ۱۸ مرتبه حبس با کند و زنجیر در ایام استبداد و چندین فقره طرد و تبعید و دو فقره حکم اعدام از طرف دو پادشاه وطن فروش...»

مطالب روزنامه مظفری آن قدر کام صاحبان قدرت را تلخ کرد که در نهایت لیبب الملک را در حمام بازداشت و به بندر ریگ تبعید کردند. هرچند بیشتر هم تبعید به محمره (خرمشهر) هم تجربه کرده بود وی بعد از تحمل هشت ماه زندگی در بندر ریگ شرح سختی خود را نگاشته که در کتاب اسناد مطبوعات به آن اشاره شده و آمده است: «بنده به حکم ظلم خائنین وطن